

موضع واحد علیه هژمونی ایران

♦ آرمن حمیدی

موضع گیری واحد ۶ کشور دارای قدرت هسته ای در مورد ایران و رفتار آمریکا در در سال های اخیر نشان می دهد تمام کشورهای قدرتمند جهان در برابر هژمونی ایران در منطقه خلیج فارس نگرشی واحد دارند.

پرسش اصلی مقاله این است که چرا آمریکا، انگلیس، روسیه، چین، فرانسه و آلمان و حتی هند و پاکستان نسبت به رفتارهای ایران حساسیت واحدی دارند و نمی خواهند این کشور به یک قدرت در خلیج فارس و خاورمیانه تبدیل شود.

برای درک بهتر این پرسش عوامل مختلفی مطرح است که از جمله مهم ترین آنها ساختار نظام بین الملل یا همان نحوه توزیع قدرت در بین کشورهای مختلف و آرایش قدرت در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه است. در این توزیع قدرت، آمریکا، غرب و حتی روسیه و چین در سال های اخیر کوشیده اند با توزیع مصنوعی قدرت در بین کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس و شکل دهی به اتحادیه ها و ائتلاف های مختلف بدون ایران، به ساختار قدرت منطقه، قطبیت مورد نظر خود را تزریق کنند و آن را به گونه ای شکل دهند که ایران مجبور به عمل در این چارچوب باشد. ساختار توزیع قدرت در منطقه در قالب اتحادها و ائتلاف های مختلف

کشورهای منطقه با قدرت های بزرگ و استقلال عمل سیاست خارجی ایران را به شدت محدود می کند. متأسفانه این پروسه پس از حمله آمریکا به عراق به گونه ای است که آمریکا به عنوان بنیانگذار نظام تک قطبی سلسله مراتبی در جهان به عنوان عضوی از نظام قدرت منطقه ای و عضوی از ساختار بندی قدرت در خلیج فارس و خاورمیانه محسوب می شود و کنش های منطقه ای ایران را رصد و نسبت به آنها واکنش نشان می دهد و در مواقع لازم متحدان منطقه ای و فرمانتقه ای را نیز با خود همراه می کند.

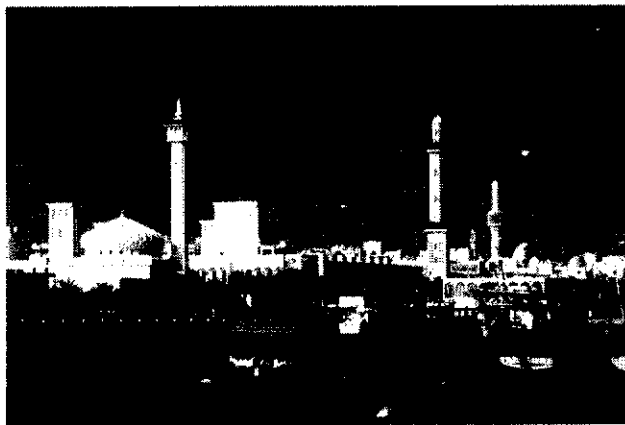
یکی دیگر از موانع اصلی برای عمل هژمونیکی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای، ساختار ارزشی هنجاری نظام بین الملل و پس از آن ساختار منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است. در این پروسه تولید هنجارهای بین المللی و منطقه ای، نهادهای مختلف بین المللی و سازمان های مختلف منطقه ای و بین المللی هنجارهایی را گسترش و تولید می کنند که نه تنها مغایر هنجارها ارزشی و اعلامی ایران

بلکه هدف آن محدودسازی ایران است. در این پروسه، عمل و کنش منطقه ای و بین المللی، ایران با واکنش های بین المللی مواجه می شود که سعی دارد این تلقی از ایران باز تعریف شود که این کشور را غیر منطقی و مخالف ارزش های نظام بین المللی بداند و علیه آن تبلیغات منفی آرایه کند. این هنجار سازی جهانی و بین المللی و گاه منطقه ای تلاش دارد از طریق تبلیغ نوع ویژه ای از نظام های سیاسی و هنجارهای سیاسی، بین المللی و حقوقی، هویت سیاسی ایران را نامشروع جلوه دهد و به دلیل مخالفت هنجارهای مورد نظر ایران با این نوع خاص هویت مورد نظر غرب در منطقه، ایران را با انواع ابزارها در محدودیت قرار دهد و به دلیل عدم تطابق هویتی جمهوری اسلامی ایران با نظام لیبرال دموکراسی غرب، ایران را به عنوان موجودی تهدیدنا برای منطقه و جهان تعریف کند. هدف این گونه اقدامات و ادار کردن ایران به انجام رفتارهای مورد نظر غرب در منطقه است. این امر به ویژه پس از گسترش موضوع جهانی شدن فرهنگ و اقتصاد و تلاش برای تدوین و اجرای طرح خاورمیانه بزرگ برای آمریکا بسیار مهم است. کنش های ایران در منطقه که در مخالفت با هدف آمریکا برای ایجاد خاورمیانه بزرگ است، باعث واکنش منفی غرب در برابر ایران می شود و غرب را به محدودسازی ایران وا می دارد.

از دیگر عوامل موثر در راستای بحث فوق ساختار ذهنی رهبران منطقه نسبت به ایران است. این ساختار ذهنی محصول قرن ها سابقه تاریخی روابط اعراب و ایرانیان است و این کشورها متأسفانه در برابر کنش های منطقی و عقلانی ایران به عنوان یکی از بزرگ ترین کشورهای منطقه، ادراکی بدبینانه دارند که توأم با سوء ظن است.

این ساختار نسبت به سیاست خارجی ایران و رفتارهای مختلف ایران بدبینانه نگاه می کند که از رسوبات تاریخی گذشته سرچشمه می گیرد و در قالب رفتارهای گذشته به تحلیل آن می پردازد. این نگرش بدبینانه سعی دارد در برابر ایران موازنه ایجاد کند و همین امر باعث می شود شرایط برای حضور غرب و کشورهای دیگر در موازنه سازی در منطقه آماده شود. در چنین وضعیتی، رهبران کشورهای عربی سعی کرده اند به هر صورت شده به موازنه سازی با ایران اقدام کنند. از جمله این اقدامات عدم دعوت از تهران برای حضور در تصمیم گیری های منطقه ای، اتحادیه های دوجانبه یا چند جانبه با

یکی از موانع اصلی در برابر هژمونی ایران مغایرت هنجارها و سیاست های تهران، با هنجارهای تولیدی نظام بین الملل است



کشورهای غربی و ایجاد اتحادیه‌های ویژه علیه ایران است.

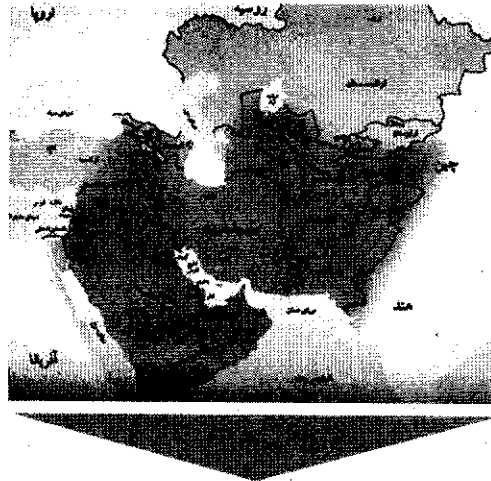
این در حالی است که ایران به دلیل وضعیت جغرافیایی و توانمندی معدنی و نیروی انسانی خود به طور بالفعل و بالقوه توان هژمون شدن در منطقه را دارد و مجبور است برای تبدیل شدن به یک قدرت موثر منطقه‌ای فعالیت کند. این اجبار طبیعی و جغرافیایی با توجه به سوء ظن اعراب و اهداف مختلف غرب در برابر ایران اتحادی بین اعراب و غرب شکل می‌دهد که می‌کوشد ایران را از هدف طبیعی خود دور سازد موضع‌گیری اعراب در برابر فناوری هسته‌ای ایران اگر چه دارای ادیبانی متفاوت با غرب است اما دارای هدفی یکسان و نتیجه‌ای واحد است. این هدف ایجاد موازنه در برابر ایران برای ممانعت از تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه است.

علاوه بر این، نوع نظام سیاسی ایران در منطقه در تضادی بنیادی با الگوهای سیاسی منطقه‌ای است. نظام جمهوری اسلامی در قالب اسلام سیاسی و اسلام شیعی که در تعارض با لیبرالیسم موجود در غرب است نه تنها نزاعی ایدئولوژیک بین ایران و غرب شکل می‌دهد بلکه کشورهای سنتی عرب منطقه را نیز با غرب به اتحاد می‌رساند و هر دو طرف را به کنش علیه هژمونی ایران وا می‌دارد.

متأسفانه پس از سقوط شوروی، نظم یک قطبی سلسله مراتبی با محوریت هژمونی آمریکا در حال شکل‌گیری است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این وضعیت در حال شکل‌گیری، مقابله با هژمون‌های منطقه‌ای و قدرت‌های برتر در مناطق مختلف جهان است. در این وضعیت، سعی می‌شود مانع حرکت نیروهای گریز از مرکز در تمام مناطق جغرافیایی جهان شود و با شکل دادن به اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای در برابر قدرت برتر در منطقه صف‌آرایی شود. در منطقه خلیج فارس نظم یک قطبی سلسله مراتبی در حال شکل‌گیری، می‌کوشد با شکل دادن

به اتحادیه‌های منطقه‌ای با کشورهای عربی و با کمک گرفتن از کارکردهای مختلف سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و جهانی مانع حرکت مستقل ایران شود و حضور آمریکا را در منطقه مشروعیت بخشند.

علاوه بر این در نقطه هژمونیک سلسله مراتبی، آمریکا سعی دارد با کشورهای قدرتمند جهان در قالب سیاست اقتاع و پاداش و گاه تهدید، آنها را با خود علیه رفتارهایی که مخالف نظام



با سقوط شوروی نظم یک قطبی سلسله مراتبی با محوریت هژمونی آمریکا در حال شکل‌گیری است

در حال شکل‌گیری است، همراه سازد. این سیاست به خوبی در مورد ایران و در قبال چین، روسیه، فرانسه و آلمان دیده می‌شود. آمریکا برای همراه کردن آنها در مورد ایران از سیاست اقتاع و فرانسه و آلمان پاداش (روسیه و چین) سود برده است اما این سیاست‌ها به معنی شکل‌گیری نظام کنسرتی در جهان نیست و این مقصود را نمی‌رساند که نظام بین‌المللی با توافق ۶ کشور دارای قدرت هسته‌ای اداره می‌شود. علاوه بر این مهم‌ترین خصلت نظام کنسرتی مقابله با هژمونی‌های منطقه‌ای است. در نظم کنسرتی کشورهای قدرتمند به شدت مراقب هستند که



کشورها خارج از نظام مورد نظر آنها عمل نکنند. نظم کنسرتی در مقطع حمله آمریکا به عراق (پس از حمله صدام به کویت) به خوبی دیده می‌شود چرا که شاهد بودیم همه کشورهای قدرتمند و حتی متحد عراق برای خارج کردن صدام از کویت با آمریکا همراه شدند.

استراتژی قرن ۲۱ آمریکا حول ایجاد نظم سلسله مراتبی دور می‌زند و برای رسیدن به این نظم، استراتژی اقدامات پیشگیرانه تعریف شده است. این استراتژی در برابر کشورهای قدرتمند با اقتاع و پاداش و در برابر کشورهای هژمونی منطقه‌ای یا کشورهای کوچک با استراتژی تهدید و موازنه عمل می‌کند. شیوه عمل آمریکا در برابر هژمونی ایران سعی و تلاش واشنگتن برای همراه سازی چین و روسیه با خود با اعطای پاداش و اقتاع رهبران آنها و دست زدن به استراتژی تهدید در این قالب قابل تحلیل است. در چنین شرایطی دل بستن به رای و کمک کشورهایی مثل چین و روسیه و فرانسه خالی از اشتباه نیست چرا که آنها توسط آمریکا خریداری شده‌اند و ایران نمی‌تواند بیشتر از آمریکا برای همراه سازی آنها هزینه کند به همین دلیل بر خلاف تصور بسیاری که فکر می‌کنند منافع فرانسه، روسیه و چین با آمریکا و انگلیس تضاد دارد در مورد پرونده هسته‌ای به خوبی شاهدیم که آمریکا در قالب نظم سلسله مراتبی آنها را با خود همراه کرده و رهبران این کشورها نیز به تصور حرکت در جهت نظم کنسرتی (اداره جهان در قالب وحدت نظر ۶ کشور قدرتمند) می‌کوشند اجازه ندهند کشورهای قدرتمندی در مناطق مختلف جهان شکل بگیرد. به همین دلیل همه این کشورها در برابر پرونده هسته‌ای ایران دارای نگرشی واحد هستند هر چند در عمل و شیوه رفتار با ایران اختلاف نظر دارند.

در چنین شرایطی تنها راه حل برای ایران اعتمادسازی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی و امنیتی در سطح جهان است. اجرای این دو سیاست اگر چه دشوار اما غیر ممکن نیست و نیازمند پیش شرط‌های مختلفی است. اولین قدم در این راستا اعتمادسازی کشورهای عرب منطقه است. اگر این اعتمادسازی به نتیجه برسد ایران می‌تواند علاوه بر حضور در تریبانات اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و همکاری چند جانبه با اعراب منطقه، مانع اتحاد اعراب و غربی‌ها در خلیج فارس شده و خود به خود ایران به یک هژمون منطقه‌ای تبدیل خواهد شد.

